

تألیف شیخ اسعد بن عبدالقاهر شفروه اصفهانی

از بزرگان سده هفتم هجری

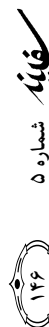
سید صادق حسینی اشکوری*

چکیده: آنچه در این مقال از دید خواننده گرامی می‌گذرد، مروری است گذرا بر کتاب ارزشمند «مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین»، و زندگانی مؤلف آن، شیخ اسعد شفروه اصفهانی، از دانشمندان و ادیبان سده هفتم هجری، با نگاهی به مطالب مندرجه کتاب، سبک تألیف، نسخه‌های کتاب و اهمیت آن، و دیگر مطالبی که به گمان نگارنده، ذکر آنها در معرفی یک اثر و صاحب آن، مناسب یا ضروری بنظر می‌رسد.

کلید واژه‌ها: نهج البلاغه، شروح / اسعد شفروه اصفهانی، ابوالسعادات / علمای امامیه، قرن هفتم / مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین

شرح حال مؤلف:

وی شیخ ابوالسعادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد بن محمد بن هبة الله بن حمزه اصفهانی ملقب به «شَفْرُوَه» یا «شَفْرُوِيَه» می‌باشد^(۱).



* - کتابشناس و فهرست‌نگار، حوزه‌ی علمیه قم.

۱- در پاره‌ای از منابع: سفرویه، مانند: الأنوار الساطعة: ۱۷، قال: و جاء شفروه بدل سفرویه ايضاً. همچنین در تذکره دولتشاهی. در دائرة المعارف تشیع ۱۴۰/۱ نیز چنین آمده: شیخ ابوالسعادات اسعد سفرویه معروف به ابن سفر.

ضبط کلمه بصورت شفروه - با قاف - ، و شقوره و غیره نیز آمده است. جهت تفصیل بیشتر نگاه کنید به:

شیخ اسعد در اصفهان متولد شد و همانجا نشو و نما نمود و تا زمان هجوم مغول به اصفهان، در آنجا سکونت داشت^(۱).

وی از علمای بنام عصر خویش بوده است، چنانچه صاحب امل الآمل^(۲) از وی تعبیر به «عالم، فاضل، محقق» نموده است.

مرحوم عاملی نیز در اعیان الشیعة از او چنین یاد می‌کند: «عالم، فاضل، جلیل، محقق»^(۳). صاحب ترجمه، از مشایخ سه تن از بزرگان و نامداران شیعه یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و میثم بن علی بحرانی شارح نهج البلاغه و رضی الدین علی بن موسی بن طاووس است^(۴) (چنانچه از کتاب الیقین سید

مجله «علوم حدیث» شماره ۴ (تابستان ۱۳۷۶) ص ۱۸۰-۱۸۲.

توضیح اینکه در تحقیقی که صدیق فاضل و گرامی، جناب آقای صدرایی، پیرامون کتاب «مطلع الصباحتین» نموده، و در شماره ۴ مجله علوم حدیث بچاپ رسید، تصریح شده بود که: «نسخه کاملی از آن در دست نیست»، «متأسفانه تاکنون از دید محققان شیعی بدور مانده و هیچ نسخه کاملی از آن، معرفی نشده است»، لذا جای بسی خرسندی است که اکنون پس از گذشت ایامی نه چندان زیاد، نسخه‌ای کامل از آن ضمن کتابهای خریداری شده از خاندان مرحوم محدث ارموی توسط مرکز احیاء میراث اسلامی، بدست حقیر رسید که فرصت در ارائه این متن مهم، مغتنم شمرده می‌شود.

البته با توجه به تحصیل نسخه کامل، در این مقال سعی بر آن داریم تا به نکاتی بیشتر پیرامون کتاب و مؤلف آن، اشاره نماییم، والله المستعان و هو خیر موفق و معین.

۱- وی در مقدمه کتاب خود «مطلع الصباحتین» بدین معنا تصریح نموده است: «وجاءت عساكر الكفار بجماهرها وطائفة التتار بحذاقيرها إلى أصفهان التي هي بها مسكني و مسقط راسي و بها اهلي واولادي واقرباي و احفادي و اصداقائي و اودائي، لتخريب بيضتها و تعذيب جماعتها واستيصال شأفتها، و كنت يومئذ عند مخدومه بالقلعة الرشاقية...». ۲- امل الآمل ۳۲/۲-۳۳ شماره ۸۹.

۳- اعیان الشیعة ۲۹۷/۳.

۴- بر روی برگ اول از مخطوطه مطلع الصباحتین چنین مکتوب است: «کتاب مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین تألیف الشیخ ابی السعادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد الاصفهانی الشیعی الإمامی استاد الخواجه نصیرالدین الطوسی و السید علی بن طاووس و ابن میثم البحرانی قدس الله ارواحهم».

و نیز عبدالکریم بن ابوطالب معروف به حاج آقا مقدس ارومچی بر برگ اول چنین نگاشته: روی السید فی الإقبال عن المؤلف سند رواية الغدير.

ابن طاووس استفاده می‌گردد^(۱). ابن طاووس همانطور که در ابتدای فلاح السائل تصریح نموده تمامی کتب و اصول و تألیفات را در سال ۶۳۵ از وی روایت نموده است^(۲).

مرحوم کفعمی نیز در حواشی الجنة الواقية از وی حدیث نقل کرده و او را به «شیخ عالم» توصیف نموده است.

بزرگ مرد حدیث شیعه، علامه مجلسی، نیز در مجلد اجازات بحار از او بعنوان «اصحابنا» یاد نموده است.

شیخ اسعد اصفهانی از تعدادی از اکابر و بزرگان شیعه روایت نقل می‌کند که از بین آنها فقط بدین شیوخ دست یافتیم:

۱- شیخ ابوعبدالله محمد بن عبدالواحد مدینی اصفهانی، شیخ اسعد در مدرسه علائیه زیدیه به تاریخ ۱۲ ذی‌القعدة سال ۶۲۸ حدیثی را شنیده و در مقدمه کتابش مطلع الصباحتین آن را نقل نموده است.

۲- شیخ مقرئ جمال‌الدین ابوطالب هبة‌الله بن ابی‌الفتح کازرونی شیرازی، وی در شعبان سال ۶۳۳ هنگام حضورش در شیراز نزد وی قرائت حدیث داشته است چنانچه در مقدمه مطلع بدان تصریح نموده است.

۳- عمادالدین ابوالفرج علی بن سعید بن هبة‌الله قطب راوندی^(۳).

شیخ اسعد حدود سال ۶۳۵ قمری از اصفهان به عراق هجرت کرد. وی قبل از آن در سال ۶۳۳ سفری نیز به

۱- افندی در ریاض العلماء ۸۱/۱- ۸۲ پس از نقل کلام امل الآمل درباره مؤلف و آثارش می‌نویسد: اقول: قال ابن طاوس فی کتاب الیقین فی إثبات نقل حدیث ینقله عن کتاب تفسیر محمد بن ماهیار، ما هذا لفظه: و هذا الكتاب ارويه بعدة طرق، منها عن الشيخ الفاضل اسعد بن عبدالقاهر المعروف جده بسفرويه الاصفهانی، حدثني بذلك لما ورد إلى بغداد فی سفر سنة خمس و ثلاثين و ستمائة بداری بالجانب الغربي من بغداد التي انعم بها علينا الخليفة المستنصر... (بنگرید: الیقین، ص ۲۷۹ باب ۹۸ و ص ۴۷۳ باب ۱۸۴)

۲- نگاه کنید به: اعیان الشیعة ۲۹۷/۳.

۳- بر روی برگ اول نسخه مطلع چنین نگاشته شده: و فی کتاب نفس الرحمن للمولی الحاج میرزا حسین النوری طاب مثواه فی الباب ۱۲: قال طاوس آل طاوس فی الفصل ۱۹ من الدروع الواقية: اخبرنی جماعة منهم.. إلى ان نقل المرحوم المذكور عبارة السيد. و اخبرنی الشيخ السعيد اسعد بن عبدالقاهر الاصفهانی فی مسکنی بالجانب الشرقي من دار السلام یعنی بغداد فی صفر سنة ۶۳۵، عن الشيخ العالم علی بن السعيد ابی‌الحسین الراوندی، عن ابی‌جعفر محمد بن علی بن الحسن الحلبي.

شیراز داشته است. پس از مهاجرت به عراق در بغداد با علما و فضلا از جمله ابن طاووس تماس داشت و برای آنان حدیث نقل می‌نمود و به تدریس پرداخت.

بنابراین هجرت شیخ به نجف که در مقدمه کتاب بدان تصریح نموده در اوائل سال ۶۳۵ یا اواخر ۶۳۴ صورت گرفته و سپس به تألیف کتاب مطلع الصباحتین همت گمارده است.

مؤلف هنگام حمله و حشیانه مغول در دستگاه حاکمی در اصفهان که به نام وی تصریح نکرده ملزم به کار بوده و در قلعه وی زندگی می‌کرده است. زمان هجوم مغول، حاکم به وی دستور می‌دهد که نزد سران مغول رفته پیام انقیاد و تبعیت او را از مغولان بدانها ابلاغ نماید^(۱)، وی از قبول آن سرباز زده و به همین علت، اموالش مصادره گشته و از کار برکنار و حبس می‌گردد تا وی با توسل به امیر مؤمنان^{علیه السلام} بالاخره از زندان خلاصی یافته و فوراً راهی نجف اشرف می‌گردد^(۲).

۱- این مطلب بر صاحب نام و نفوذ بودن شیخ اسعد در زمان وی دلالت می‌کند.

۲- مؤلف این داستان را در مقدمه کتابش ذکر کرده که به جهت حائز بودن برخی از نکات ترجمه خلاصه‌ای از آن را در این مقال می‌آوریم: وی می‌گوید:

هنگامی که تألیف این کتاب ارزشمند پایان یافت و قبل از آن موفق به نگارش کتابهایی شده بودم.. اثرات پیری و فرسودگی را در خود دیدم، هنگامه آن بود که از دنیا و اشتغالات آن اعراض نموده و به آخرت و آنچه برای آن دیار مهیا کرده بودم رو آورم، به جبران عمر گذشته پردازم، با چشمی گریان شبها به استغفار و خشوع مشغول باشم و روزها با روزه گرفتن از مردمان منقطع گردم، باری از خدا می‌خواستم که درهای توبه و انابه و بازگشت به سوی خودش را - که بهترین بازگشت است - نصیبم گرداند.

باری، بر این حال خویش، رو آوردن به بارگاه مطهر امیر مؤمنان، وارث پیامبران، و سید اوصیاء علی^{علیه السلام} و یا یکی از مشاهد اولاد معصومینش را مناسب می‌دانستم، و منتظر بودم روزی از کرم و فضل الهی این دعا و خواسته‌ام مستجاب گردد تا نسخه‌های نوشته‌هایم را نیز خدمتش معروض بدارم.

در این اوان بود که بلاهای روزگار مانند شب تیره و تار هجوم آورد، ستاره بدطالع کافران ملعون طلوع نموده، و قوم تاتار از راست و چپ، شبانگاه و روز هنگام، حمله کردند، و گرداگرد مردم را گرفته به قتل و کشتار آنها پرداختند.

از آنجایی که به دلیلهای صریح و آشکار، و احادیث صحیحه می‌دانستم که در هنگام شعله‌ور شدن آتش فتنه باید به حضرت مهدی^{علیه السلام} رو آورد و به خدمت حضرتش پناه برد و منتظر ظهور مبارکش بود، نیت خود را جزم نمودم که به مشاهد معظمه و مواضع غیبت حضرتش رو آورم.

پس از این عزمِ راسخ، چون در آن اوان در خدمت «مخدوم عراق» بودم، عزیمت و سفر بدون اجازه و دستور وی ممکن نبود. لذا از وی استجازه نمودم و لیک او ابا نمود. هر چه بیشتر اصرار نمودم کمتر سود بخشید، تا سه سال از این واقعه گذشت.

لشکر کفار و قوم تاتار به اصفهان رو آورد. اصفهان علاوه بر آنکه محل سکونت و جایگاه تولد من بود، خانواده و اولاد و خویشان و دوستان و رفقای صمیمی من نیز در آنجا سکنی داشتند. لشکر مغول می‌آمد که ویران کند و همه چیز را ریشه‌کن نماید، و من که خدمت مخدوم خود در قلعه رشاقیه بودم مضطرب و نگران بودم؛ از طرفی بجهت اهل و عیال خود پریشان خاطر، و از طرفی دیگر بجهت سرمایه‌ای که در این مدت عمر از اسباب و اموال دنیوی جمع کرده بودم و همگی در معرض نابودی بود با فکری مشوش بسر می‌بردم.

در این گیرودار مخدوم، مرا احضار نموده و از من خواست به پیشوای کافران رو آورده و پیام وی را بدو برسانم و از قصور خدمت عذر خواسته آمادگی آنان را جهت گردآوری سربازان و راه‌اندازی سپاه اعلام نموده و به او خیر مقدم بگویم!

با خود گفتم: سبحان الله! عجب مردمان سست ایمانی که ظلم و ستم در جان آنان رسوخ کرده تا حدی که به یاری کفر و طغیان بپا خاسته‌اند و در امر دین خود سهل‌انگار گشته‌اند، شؤونات دشمنان الهی را بزرگ می‌شمارند و خشنودی آنان را بر رضای پروردگار مقدم می‌دارند، آنگاه به دیگران در یاری کردن کفار، حکم می‌رانند و باکی ندارند! کأنّ اینان برای دنیا خلق شده و به اطاعت از کفر دستور داده شده‌اند!

بهرحال مخدوم پیوسته بدنالم می‌فرستاد، باری مرا وعده می‌داد و گاهی وعید، ساعتی به من منزلت و قرب را می‌نمود و ساعتی دیگر سختی و عنف.

بالاخره به تنگ آمده گفتم: ای امیر! به خدا قسم! اگر دستور دهی مرا مورد اهانت قرار داده و یا بکشند و هر آنچه می‌خواهی بسرم بیآوری، هرآن برای من گواراتر از آن است که چشم من بدین ملاعین کفار افتاده و کلام آنان را بشنوم، باری من در خدمت شما هستم، هر چه می‌خواهی حکم ران!

امیر از این کلام صریح و فصیح، خشمگین گشته فی الحال دستور داد به بندم کشند، مرا از منصبم خلع نموده و دستور داد باقیمانده اموال مرا - از اسباب خانه گرفته تا حیوانات و مواشی - مصادره نمودند.

در این شدت حال، من آسوده خاطر منتظر الطاف خفیه الهی بودم و دمامم به امیر مؤمنان عليه السلام استغاثه می‌نمودم، تا اینکه باری مخدوم شبی در خواب امیر مؤمنان را دید که بر بالای سرش ایستاده شمشیری برهنه در دست دارد، او را از پیشانی گرفته و به زمین می‌کشد و تهدید می‌کند که: تو را چه شده است؟ تا کی می‌خواهی به من صداقت نشان دهی؟ او را رها کن و إلا با همین شمشیر گردنت را می‌زنم!

از طرفی دیگر، هنگام هجوم مغول، دو فرقه حنفیان و شافعیان در اصفهان صاحب قدرت و با هم در نزاع بوده‌اند، و شافعیان به مغولان پیشنهاد کردند که چنانچه با ورود به اصفهان دست به کشتار حنفیان بزنند، آنان دروازه‌های شهر را به روی ایشان می‌گشایند. اما مغولان با ورود به شهر، حنفیان و شافعیان را یکسان به دم تیغ سپردند.

بنابراین آقای صدرایی احتمال داده که شیخ اسعد در دستگاه خجندیان اصفهان بوده و با تصمیم آنان مبنی بر تسلیم شهر به مغولان، مخالفت نموده است.

تألیفات :

آثار معرفی شده در منابع مختلف شرح حال وی، عبارتند از:

- ۱- جوامع الدلائل فی مجامع الفضائل - آنگونه که در مقدمه مطلع مذکور است - یا جامع الدلائل و مجمع الفضائل، و یا جامع الدلائل و منبع الفضائل - آنطور که در ذریعه مسطور می‌باشد^(۱)، و یا منبع الدلائل و مجمع الفضائل بنحوی که در نسخه‌ای از امل الآمل و اعیان الشیعه ذکر شده است^(۲).
- ۲- توجیه السؤالات فی تقریر الإشکالات^(۳).
- ۳- رشح الولاء^(۴) فی شرح الدعاء^(۵)، مراد، دعای صنمی قریش می‌باشد.



بدین خواب او به خود آمده مرا خدمت خویش فرا خواند و مهر و عطوفت فراوان نمود و وعده داد که اموال و اسباب غضب شده را برگرداند و جبران مافات را نماید و زیاده از حد انتظار به من ببخشد. بدین سبب مرا از قلعه خویش نیز آزاد نمود، من نیز بدون توجه به راست و چپ و پرس و جو از اسباب و اموال به یغما رفته، فوراً با اهل و عیال به سوی امیر مؤمنان و جانشین صالح او حضرت قائم مهدی صلوات الله علیهما راهی شدیم، در این سفر دیگر خوف از مشکلات مسیر و تنهایی در طول راه و دوری از احباب و بُعد سفر و بی‌یاوری همراه با دشمنان بسیاری که در کمین بودند... همه و همه مانع نبودند، چرا که ماندنم در آنجا خطر بر دینم داشت و این خطر بسی عظیم‌تر از خطر جانی است..

- ۱- الذریعة ۵۲/۵، الأنوار الساطعة: ۱۷، در معجم المؤلفین ۲۴۷/۲ نیز جامع الدلائل و مجمع الفضائل نامیده شده است.
- ۲- نگاه کنید به: حاشیة امل الآمل ۳۳/۲.
- ۳- الذریعة ۴۷۶/۴، در اعیان الشیعة ۲۹۷/۳ و معجم المؤلفین ۲۴۷/۲: لحل الإشکالات، بجای: فی تقریر الإشکالات.
- ۴- در معجم المؤلفین ۲۴۷/۲: الوفاء، بجای: الولاء.
- ۵- الذریعة ۹/۱۰ - ۱۰، ۱۹۲/۷، ۲۳۶/۱۱، ۲۵۶/۱۳ - ۲۵۷، کتابخانه ابن طاووس: ۴۹۳. بخشی عمده از آن در

۴- فضیلة الحسين عليه السلام و فضله و شكايته و مصيبتته و قتله (۱).

۵- الفائق على الأربعين في فضائل امير المؤمنين عليه السلام (۲).

۶- ديوان شعر (۳).

۷- اكسير السعادتین، در اعيان الشيعة (۴) هنگام شمارش تألیفات وی می‌گوید:

در کتاب اكسير السعادتین بسیاری از کلمات قصار امير مؤمنان عليه السلام گردآوری شده است، آنگونه که از ریاض العلماء منقول است.

سپس ضمن تألیفات وی به مجمع البحرين و مطلع السعادتین نیز اشاره می‌کند. بنابراین در نظر وی این دو کتاب، مجزا هستند، ولی آنچه را وی به ریاض نسبت داده است در ریاض العلماء که بچاپ رسیده (۵) نیافتیم، و در نسخه چاپی، عبارت چنین است: مطلع الصباحین و مجمع الفصاحتین. و ذکری از اكسير السعادتین به میان نیامده است.

البته در دائرة المعارف تشیع نیز آن را عنوانی مستقل ذکر نموده است (۶).

ولی احتمال می‌رود این کتاب با کتاب بعدی یکی باشد چنانچه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این احتمال را ذکر نموده است. وی در الأنوار الساطعة (۷) می‌گوید: صاحب ترجمه دارای دو کتاب «مجمع البحرين و مطلع السعادتین»، و «اكسير السعادتین» می‌باشد، و شاید این دو کتاب یکی باشند.

بحارالانوار جلد ۸۵ آمده است.

این کتاب در عهد شاه سلطان حسین صفوی به فارسی ترجمه شده، مترجم نام آنرا «ضیاء الخافقین فی شرح دعاء الصنمین» نهاده است. در این باره رجوع کنید به: الذریعة ۱۵/۱۲۳.

۱- نام این کتاب در ذریعه نیامده ولی در مقدمه مطلع و ریاض العلماء ۸۲/۱ بدان تصریح شده است.

۲- الذریعة ۹۰/۱۶، کتابخانه ابن طاووس: ۲۵۹، ریاض العلماء ۸۲/۱، دائرة المعارف تشیع: ۱۴۰/۲، در بعضی از منابع: مناقب، بجای: فضائل.

۳- این دیوان حدود ۸۰۰۰ بیت بوده است چنانچه ابن فوطی در (تلخیص) مجمع الآداب ۳۳/۲ بدان تصریح نموده است.

۴- اعیان الشيعة ۲۹۷/۳ قال: کتاب اكسير السعادتین، فيه كثير من الكلمات القصار لأمير المؤمنين عليه السلام، كما عن ریاض العلماء. ۵- ریاض العلماء ۸۲/۱. ۶- دائرة المعارف تشیع ۱۴۰/۲.

۷- الأنوار الساطعة (طبقات اعلام الشيعة): ۱۷، عبارت شیخ آقا بزرگ چنین است: وللمترجم له مجمع البحرين و مطلع السعادتین، و اكسير السعادتین، و لعلهما واحد..

این همان کتاب مورد معرفی ما می باشد که مؤلف در اواخر عمر آن را به رشته تحریر درآورده است . شیخ اسعد در مقدمه کتاب خود چنین تصریح نموده است : لَمَّا فرغت من جمع هذا الكتاب البديع و وُفِّت لجمع كتب . . سپس نام پنج کتاب اول را که برشمرديم آورده و در آخر می گوید : و غیرها .
لذا با توجه به عبارت « و غیرها » مؤلف ، کتابهای دیگری نیز تألیف نموده است که قدر مسلم از آن آثار ، می توان به دیوان شعر وی اشاره کرد (۱) .

* * *

ذکر این نکته نیز جالب است که : بیشتر تألیفات شیخ سفروه اصفهانی درباره فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) و اثبات حقانیت آنان ورد بر دشمنان آنهاست ، لذا بسی جای تأسف است که اکنون پس از طی سده های متمادی از این آثار فقط کتاب «مطلع الصباحتین» بدست ما رسیده است ، و از طرفی جای خرسندی است که با معرفی و چاپ این اثر ، علاوه بر گشایش راهی تحقیقی جهت شناخت مؤلف آن ، اثری از آثار حدیثی شیعه و تألیفی از تألیفات قدمای اصحاب به دنیای دین و دانش و ادب عرضه می گردد .

وفات شیخ اسعد :

بیشتر کسانی که شرح حال و یا تألیفات وی را برشمرده اند به تاریخ وفات او تصریح نکرده اند ، و در بین تصریح کنندگان نیز اختلاف مشهود است :
صاحب اعیان الشیعه (۲) وفات وی را در صفر سال ۶۳۵ ثبت نموده است .
کحاله نیز در معجم المؤلفین (۳) از وی تبعیت نموده است .
در دائرة المعارف تشیع (۴) وی را متوفای پس از سال ۶۳۵ می داند که صحیحتر می باشد ، چرا که ماه صفر ۶۳۵ تاریخ برخی از روایات مؤلف است آنگونه که در مقدمه مطلع نیز بدان اشاره کرده ، نه سال وفات وی .

-
- ۱- درباره تألیفات شیخ اسعد اصفهانی علاوه بر منابع مذکور در پانوشتها ، رجوع کنید به : امل الأمل ۳۲/۲ - ۳۳ شماره ۸۹ .
 - ۲- اعیان الشیعه ۲۹۷/۳ ، ونقل عنه فی هامش امل الأمل ۳۳/۲ ، و هامش ریاض العلماء ۸۱/۱ .
 - ۳- معجم المؤلفین ۲۴۷/۲ : اسعد الأصبهانی (المتوفی سنة ۶۳۵ الهجرية الموافق لسنة ۱۲۳۷ الميلادية) .
 - ۴- دائرة المعارف تشیع ۱۴۰/۲ .

آقای صدرایی^(۱) بنقل از مورخین تاریخ وفات وی را سال ۶۴۰ ثبت کرده که اگر مستند آن - که ذکر نشده - قابل اعتماد باشد، تاریخ مورد قبولی بنظر می‌رسد.

فرزندان شیخ اسعد :

ابن فوطی در مجمع الآداب^(۲) از فرزندی بنام معزالدین علی بن اسعد اصفهانی نام برده است.

فیه

شماره ۵

۱۵۴

۱- در مجله علوم حدیث شماره ۴ ص ۱۸۴.

۲- (تلخیص) مجمع الآداب ۳۴۲/۵ شماره ۵۲۲۱.

مؤلف در مقدمه کتابش احادیثی پیرامون شدت ارتباط روحی و خلقی پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان علیؑ ذکر نموده و چنین نتیجه می‌گیرد که: این ارتباط به حدی است که تشابه بین کلمات آنها را نیز - لفظاً یا معنی یا هر دو - سبب شده است. آنگاه برای اثبات این مدعا کتاب حاضر را تقدیم نموده که در واقع کلمات مشابه نبی و وصی می‌باشد (۱).

مؤلف ضمناً با انتخاب دو کتاب «شهاب الاخبار» که مشتمل بر احادیث نبوی و مورد اعتماد عامه است، و «نهج البلاغه» که مشتمل بر احادیث و کلمات علوی و مورد استناد شیعه است، و تطبیق بین این کلمات، به اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیؑ نیز پرداخته است چرا که سرچشمه تمامی سخنان وی، همان کلمات نبوی است که متصل به عالم وحی است.

و این تازه نمونه‌ای است از خروار، و بنا بر تصریح مؤلف فقط تطبیق بین دو کتاب است، و الا نه کلمات نبی اکرم ﷺ منحصر در شهاب الاخبار است و نه سخنان امیر مؤمنان علیؑ در نهج البلاغه، لذا مؤلف قصد داشته در آینده از دیگر کتب از جمله صحاح اهل سنت نیز بر فرمایشات پیامبر اکرم ﷺ بیافزاید که مشکلات روزگار وی را از این تألیف بازداشته است (۲).



۱ - عبارت مؤلف در مقدمه چنین است: الإتحاد فی ارواحهما - ای النبی والوصی صلوات الله علیهما وآلهما - والإمتزاج فی اشباحهما والإیتلاف فی طبائعهما و اخلاقیهما یوجب تشابه کلامهما و توارد خواطرهما؛ فبان مستقاهما من قلیب و مفرغهما من ذنوب، فلما تحقق لی ذلك اردت ان التقط من فرائد فوائد کلماتهما ما توافقا، و اقتبس من انوار حکمتها ما تطابقا لفظاً و معنی او لفظاً او معنی من کتابی الشهاب القضوی القضاعی و من النهج من جمع السید الرضوی الموسوی - رضی الله عنهما و ارضاهما - و غیرهما و جدت من آحاد الأخبار و افراد الآثار.

۲ - وی در آخر کتاب خود «مطلع الصباحتین» بدین مطلب تصریح نموده است: «کمل هذا الكتاب في الجمع بين الحكم المصطفوية والمرتضوية مستخرجاً من کتابی الشهاب القضوی والنهج الرضوی في الأخبار والآثار من کلامی النبی والوصی علیهما السلام محفوظاً فیهما توافق ألفاظهما و تطابق معانیهما من الکلمات الطیبات و المواعظ الکافیات و النصایح الشافیات، فأراد جامعہ بأن یزید علیهما و تضيف إلیهما ما توافقا و تطابقا من الصحاح السبعة و غیرها، فلم تساعده الأيام في تحصیل هذا المرام، فظهر من الحوادث ما لا یخفی، و اشتعل من نيران الحواذب ما لا یطفی، فتوزعت الخاطر و سدرت النواظر و حمدت القریحة و نضبت الرویة و تغیرت البلاد و تحیرت العباد و تكدرت المشارب و تعسرت المطالب حتی تفرق منا ما كان مجتمعاً و تشتت عنا ما كان مؤتلفاً، فأکتفی علی ما ذکر، و أکتفی بما أتی».

درباره اهمیت کتاب حاضر به برخی از نکات بطور خلاصه اشاره می شود:

۱- قدمت تألیف آن :

تألیف این کتاب که در نیمه اول قرن هفتم (سال ۶۳۵) بوده ، سبب می شود که بتوان آن را بعنوان یکی از مصادر کهن حدیث شیعه که در آن روایات نبوی را نیز از مصادر عامه در بر دارد برشمرد .

۲- سرشناس بودن مؤلف آن :

مؤلف - همانگونه که قبلاً اشاره شد - از مشایخ سه تن از بزرگان و نامداران شیعه یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی و ابن طاووس بوده که هر یک از آنان دارای آثار تألیفی مهمی بوده اند ، همچنین شاگرد برخی از دانشمندان بوده که از آنها به سه تن از جمله قطب راوندی اشاره نمودیم .

۳- انتخاب از دو کتاب مهم :

آنچه بر اهمیت این تألیف می افزاید این است که مؤلف در انتخاب احادیث از مهمترین کتب مورد استناد شیعه و سنی بهره برده است . درباره نهج البلاغه آنقدر سخن بمیان آمده است که توضیحات نگارنده زیاده می نماید . اما چون خواننده گرامی ممکن است درباره مؤلف شهاب الأخبار اطلاعات کمتری داشته باشد به معرفی مختصری درباره مؤلف آن واهمیتش می پردازیم :

شهاب الأخبار تألیف قاضی قضاعی ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی فقیه شافعی یا شیعی (۱)

۱- درباره شافعی یا شیعی بودن قاضی قضاعی سخن زیاد بمیان آمده است ، از جمله ادله ای که بر شیعه بودن وی آورده اند اینکه :

(۱) ذکر حدیث «مثل أهل بیتی ..» .

(۲) مدح خلفای اهل سنت در این کتاب نیست .

(۳) مؤلف کتابی بنام «دستور الحکم فی مآثور معالم الکلم» که جمع کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام است دارد . ولی باید دانست که : دلیل اول اعم از مدعاست ، و دلیل دوم نیز دلالت ندارد چرا که مؤلف در صدد جمع کلمات قصار پیامبر و ارثه جهات اخلاقی و دینی بوده ، و درباره دلیل سوم نیز باید دانست که قاضی قضاعی کتابی نیز در مناقب شافعی دارد (هدیه العارفین ۷۱/۲) .

بنابراین اظهر این است که مؤلف شافعی بوده ، و مؤلف کتاب ما «مطلع الصباحتین» نیز قائل بدان بوده و در واقع این کتاب را بعنوان دلیلی بر حقانیت شیعه تألیف کرده که کلمات پیامبر را که مورد قبول عامه است آورده

می‌باشد. وی در سال ۴۵۴ هجری دار دنیا را بدرود گفت. در این کتاب قضاعی به گردآوری کلمات قصار نبی گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداخته است. شروح و ترجمه‌های فراوان از این کتاب حاکی از اهمیت آن می‌باشد^(۱).

وسنخان علوی را نیز در قبال آن از خاصه نقل نموده است تا قرب لفظی و معنوی آنها را ثابت کند و اتحاد نبی و وصی را از هر جهت بنمایاند.

علاوه بر اینکه در آن اوان فاصله مذاهب آنقدر زیاد نبوده خصوصاً شافعی‌ها که در مسأله محبت و مودت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به شیعیان نزدیکتر می‌باشند.

درباره تحقیق مذهب قاضی رجوع کنید به: مستدرک الوسائل محدث نوری ۳/۳۶۷، الکنی والألقاب محدث قمی ۳/۴۵، مقدمه شرح فارسی شهاب الاخبار با تعلیقات محدث ارموی، مقدمه ترك الإطناب فی شرح الشهاب، ابن القضاعی با مقدمه محمد شیروانی.

۱- علمای شیعه و سنی بر کتاب شهاب الاخبار شروح فراوانی نگاشته‌اند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود: از شروحنی که بزرگان شیعه نوشته‌اند:

(۱) ضیاء الشهاب، از قطب‌الدین سعد بن هبة‌الله راوندی.

(۲) ضوء الشهاب، از سید ضیاء‌الدین فضل‌الله راوندی.

(۳) شرح الشهاب، از افضل‌الدین حسن ماهابادی.

(۴) شرح الشهاب، از برهان‌الدین محمد حمدانی قزوینی.

(۵) روح الأحباب و روح الألیاب، از ابوالفتح حسین نیشابوری رازی.

از کتابهای که اعلام عامه درباره شهاب الأخبار تألیف کرده‌اند:

(۱) منتخب الشهاب، از شیخ نجم‌الدین اسکندری، درگذشته سال ۹۸۴.

(۲) کشف الحجاب عن احادیث الشهاب، از صغانی.

(۳) ضوء الشهاب، نیز از صغانی.

(۴) شرح الشهاب، از ابن حکیم حنفی، درگذشته سال ۵۶۷.

(۵) رفع النقاب عن کتاب الشهاب، از عبدالرؤوف مناوی.

(۶) حل الشهاب، از برخی از علمای اهل تسنن.

(۷-۹) شرح الشهاب، از محمد بن حسین موصلی معروف به ابن جنی، این شرح را شیخ ابراهیم وادیاشی

گزیده نموده، و استاد ابوالقاسم وراق نیز به شرح آن پرداخته است.

(۱۰) إسعاف الطلاب بترتیب الشهاب، از جلال‌الدین سیوطی.

از شرحهای فارسی که بر شهاب نوشته شده بر این موارد اطلاع یافتم:

نام کتاب در منابع، گوناگون ذکر شده است:

صاحب اعیان الشیعة^(۱) آن را «مجمع البحرين و مطلع السعادتین» نامیده است.

کحاله در معجم المؤلفین^(۲) هنگام شمارش کتب وی چنین می‌گوید: «اکسیر السعادتین، و مجمع البحرين

و مطلع السعادتین». که ظاهراً دو کتاب هستند.

مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی نیز آن را گاهی «مجمع البحرين و مطلع السعادتین»^(۳) و گاه «اکسیر

السعادتین»^(۴) نامیده و در الأنوار الساطعة^(۵) احتمال داده که هر دوی آنها یک کتاب باشند.

لکن در مقدمه نسخه ما چنین آمده: وانی وإن لم اکن احسبني من اهله ما کنت اسبق بمثله سمیته کتاب:

مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین ..

(۱) ترجمه و شرح فارسی شهاب الأخبار، این کتاب جهت خواجه زکی صائن احمد حنفی ساخته شده

وبسال ۱۳۴۹ هـ ش توسط دانشگاه تهران به اهتمام محمد تقی دانش‌پژوه بچاپ رسیده است.

(۲) شرح فارسی شهاب الأخبار، از مؤلفی ناشناخته، تألیف یافته در حوالی سال ۶۹۰ هجری قمری، سید

جلال الدین محدث ارموی آن را تصحیح نموده و برآن تعلیقاتی افزوده است، چاپ تهران سال ۱۳۴۲ هـ ش، و

در سال ۱۳۶۱ توسط مرکز انتشارات علمی و فرهنگی تجدید چاپ شده است.

(۳) ترك الإطناب فی شرح الشهاب، از ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابن قضاعی، این کتاب گزیده‌ای

از «فصل الخطاب فی شرح الشهاب» همین مؤلف است. چاپ شده در تهران به اهتمام محمد شیروانی در سال

۱۳۴۳ هـ ش.

* * *

نکته دیگری که مناسب به ذکر است اینکه مرحوم شیخ یحیی بحرانی کتابی بنام «الشهاب فی الحکم

والآداب» تألیف کرده که در آن به جمع یکهزار حدیث نبوی در سی باب به ترتیب حروف الفبا پرداخته است.

این اثر در تهران به سال ۱۳۲۲ در ۶۹ صفحه بچاپ رسیده (چاپ سنگی به خط حاج شیخ احمد شیرازی). این

کتاب غیر از شهاب الاخبار قضاعی است که مورد گفتگوی ما می‌باشد، اگر چه موضوع هر دو کتاب متحد

می‌باشد. ۱- اعیان الشیعة ۲۹۷/۳ - ۲۹۸. ۲- معجم المؤلفین ۲۴۷/۲.

۳- الذریعة ۲۲/۲۰. ۴- الذریعة ۲۷۸/۲.

۵- الأنوار الساطعة (طبقات اعلام الشیعة): ۱۷. عبارت وی چنین است: وللمترجم له مجمع البحرين و مطلع

السعادتین، و اکسیر السعادتین، و لعلهما واحد.

صاحب ریاض^(۱) نیز بدین نام از نسخه‌ای که دیده تصریح می‌کند: وله ایضاً کتاب مطلع الصباحتین ومجمع الفصاحتین رأیته فی دهخوارقان .
بنابراین اصح آن است که نام کتاب «مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین» می‌باشد.

روش تألیف مطلع :

مؤلف، همان ترتیب شهاب الاخبار^(۲) را اصل کار خویش قرار داده است، لذا احادیثی از نبی گرامی اسلام ﷺ که مشابه آن را در نهج البلاغه یافته است، آورده و پس از هر حدیث کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می‌کند.

ولی این ترتیب کاملاً رعایت نشده، مثلاً حدیث «إن الدنيا حلوة خضرة» را در باب اول ذکر کرده با اینکه این حدیث در باب هفتم یا هشتم شهاب بدلیل شروع شدن آن به «إن» می‌باشد.

مؤلف گاهی احادیث نبوی را پشت سر هم از ابواب مختلف گرد آورده، چرا که روایت علوی طولانی و مشتمل بر تمامی آن احادیث بوده است، نظیر آنچه در برگ ۱۹ خطی مشاهده می‌شود:

قال محمد ﷺ: الصلاة نور المؤمن .

الزكاة فطرة الإسلام .

الصوم جنة .

الحج جهاد كل ضعيف .

وعليك بالجهاد؛ فإنه رهبانية امتي .

صلة الرحم تزيد في العمر .

صدقة السر تطفى غضب الرب .

صنائع المعروف تقي مصارع السوء .

۱ - ریاض العلماء ۸۲/۱.

۲ - ترتیب کتاب شهاب بگونه‌ای است که مراجعه‌کننده بتواند براحتی بدان دسترسی یابد. لذا احادیث را در ابواب مختلف گرد آورده، شروع حدیث هر باب مشتمل بر الفاظی چون «من، ما، لا، إياك، إله، ليس، خیر، بیس، إذا، كفی، الا، لو و رب» می‌باشد، و نیز احادیثی که با فعل ماضی مجهول شروع شده و یا مشتمل بر ادعیه و یا احادیث قدسی می‌باشد در ابواب جداگانه بیان کرده است.

وقال علي عليه السلام: إن أفضل ما توسل به المتوسلون إلى الله سبحانه الإيمان به وبرسوله والجهاد في سبيل الله؛ فإنه ذروة الإسلام وكلمة الإخلاص فإنها فطرة، وإقامة الصلاة فإنها الملة، وإيتاء الزكاة فإنها فريضة واجبة، وصوم شهر رمضان فإنه جنة من العقاب، وحج البيت واعتماره فإنهما ينفيان الفقر ويدحضان الذنب، وصلة الرحم فإنها مثرة في المال، ومنسأة في الأجل، وصدقة السر فإنها تكفر الخطيئة، وصدقة العلانية فإنها تدفع ميتة السوء، وصنائع المعروف فإنها تقى مصارع الهوان.

گاه نیز احادیثی که موضوع واحد داشته‌اند از دو یا چند باب گوناگون کنار هم آمده‌اند مانند آنچه در برگ ۲۲ نسخه خطی مشاهده می‌شود:

قال محمد صلى الله عليه وسلم: القرآن هو الدواء.

القرآن غني لا فقر بعده ولا غنى دونه.

درباره احادیث علوی نیز گرچه اکثر خطبه‌ها و رسائل و یا کلمات قصار مستقلاً ذکر شده‌اند، ولی گاه مؤلف مضمونی واحد را از خطبه‌های مختلف امیر مؤمنان عليه السلام در کنار هم قرار داده است. مثلاً درباره تقوا در برگ ۵۷ و ۵۸ خطی جملات منتخب از پنج خطبه حضرت در کنار هم گرد آمده است، و البته این امر با مراجعه به خطبه‌ها مشخص می‌شود چرا که گاهی مؤلف بین خطبه‌ها نیز ارتباط ایجاد کرده بنحوی که مخّل به معنی نمی‌باشد.

از طرفی دیگر بنا بر تصریح مؤلف در ابتدای کتاب، گاهی کلام علوی بیش از حد مطلوب نگاشته شده و یا خطبه تماماً درج شده؛ چرا که بدون آن، ربط لفظی یا معنوی کلام حضرت به حدیث نبوی بنحوی واضح نیست.

همچنین گرچه قسمت اعظم مطالب کتاب از «شهاب الاخبار» و «نهج البلاغه» برگرفته شده ولی برخی از احادیث نیز از غیر این دو کتاب اخذ شده، چون علاوه بر این که برخی از احادیث را در هر دو مصدر نیافتیم، مؤلف خود نیز در مقدمه اشاره بدین موضوع نموده است (۱).

۱- وی در مقدمه می‌گوید: واقتبس من انوار حکمتها ما تطابقا لفظاً ومعنی او لفظاً او معنی من کتابی الشهاب القسوی القضاء ومن النهج من جمع السيد الرضوی الموسوی - رضی الله عنهما وارضاهما - وغيرهما وجدت من آحاد الأخبار وافراد الآثار.

- ۱- نسخه کتابخانه سلیمانیه اسلامبول، ضمن مجموعه ۱۴۴۷، کتابت سده نهم هجری، مشتمل بر بخشهایی از اوائل کتاب، نسخه عکسی آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۹۵ نگهداری می شود.
- ۲- نسخه ای که ملا علی خیابانی صاحب کتاب علمای معاصرین در ارومیه دیده و در اول آن خط عبدالکریم بن ابوطالب مشهور به حاج مقدس آقا ارومچی بوده، وی پاره ای از مطالب آن را در کتاب خود «ذخائر الاسفار» هنگام سفر به ارومیه درج کرده است.
- ۳- نسخه کتابخانه شادروان محدث ارومی که پس از وفات وی به مرکز احیاء میراث اسلامی در قم منتقل شده و اکنون در آنجا نگهداری می گردد.
- این نسخه به یقین همان نسخه ای است که خیابانی دیده است چرا که خصوصیات که خیابانی گفته از جمله حواشی عبدالکریم بن ابوطالب و نیز عبارات عیناً مطابق با این نسخه می باشد.
- ۴- نسخه ای که مرحوم افندی در دهخوارقان دیده چنانچه در ریاض العلماء^(۱) بدان تصریح نموده است. از این نسخه اطلاعی در دست نیست، ولی با توجه به وفات افندی در سال ۱۱۳۰^(۲)، نسخه باید قبل از این تاریخ باشد.



ویژگیهای نسخه خطی مرکز احیاء :

آنچه تاکنون بطور کامل بدست ما رسیده است همان نسخه شماره ۳ می باشد که اکنون در مرکز احیاء میراث اسلامی قرار دارد. نسخه گرچه دارای برخی از حواشی به خط عبدالکریم بوده و آثاری از تصحیح بر آن مشاهده می شود و خوشبختانه کامل است ولی بسیار پرغلط می باشد به طوری که شخصی بنام عرب باغی^(۳) نسخه را خوانده و در ابتدای آن این عبارت را نگاشته است: بر بیننده ژرف نگر مخفی نماند که این جلد کتاب، از آغاز تا پایانش غلطهای لفظی دارد، لذا اعتماد در هیچ حدیثی از احادیث آن جائز نیست، و چنین مطلبی از یک انسان

۱- ریاض العلماء ۸۲/۱.

۲- بدین تاریخ در تعلیقات الإجازة الكبيرة جزائری و تذکرة القبور مهدوی اشاره شده است. رجوع کنید به: مقدمه ریاض العلماء ۲۲/۱.

۳- احتمالاً مرحوم سید حسین عرب باغی از دانشمندان قرن چهاردهم ارومیه باشد.

خیبر و آگاه گوشزد می‌شود. محرر: عرب‌باغی - که خداوند او را ببخشاید! - (۱).

کاتب که بر زبان عربی تسلط کافی نداشته آنچه را دیده نوشته و گاه لفظی را که نتوانسته بخواند آنطور که دیده نقاشی کرده و در نتیجه کلمه‌ای ناخوانا و یا عبارتی نارسا پدید آمده است. طبعاً این مطلب در خصوص نسخه منحصراً به فرد از یک کتاب خطی، کار تحقیق را دشوار می‌نماید، ولی آنچه محقق را در ارائه متنی قابل قبول یاری می‌دهد مراجعه یکایک احادیث به مصادر آنها می‌باشد.

از طرفی دیگر، کاتب ظاهراً از اهل سنت بوده و یا از روی نسخه‌ای نوشته‌ای که کاتب آن نسخه از اهل تسنن بوده است چراکه مثلاً در برگ ۳۷ می‌گوید: «ومن دعائه کرم الله وجهه: اللهم انی اعوذ بك... و در برگ ۳۸: و قال کرم الله وجهه، و همچنین در برگ ۴۳. بدیهی است که تعبیر «کرم الله وجهه» مختص به عامه بوده و شیعه چنین تعبیری را درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام بکار نمی‌بندد.

آغاز نسخه: « الحمد لله الذى مهّد قواعد الدين برسالة محمد، واكّد معاهد اليقين بإمامة على، اعلى رايات الإيمان بدولة محمد، وابدئ آيات الإيقان بحكمة على... ».

پایان نسخه: « ثم لما افتتح هذا الكتاب بكلام المصطفى والمرضى اختتمه بذكر خلفهما الصالح الإمام المنتظر... لعل الله بفضلهم يتغمده برحمته و يترحمه بمغفرته بمحمد و خاصته وذريته صلوات الله عليهم، والحمد لله رب العالمين والصلاة على محمد وآله اجمعين ».

* * *

بحمد الله خداوند توفیق احیاء این اثر را به نگارنده داده که امید است با تمام تأخیراتی که در چاپ آن شده هر چه زودتر به زیور طبع آراسته گردد، إله خیر موفّق و معین.

کتابخانه
شماره ۵

منابع شرح حال و آثار

الذريعة ۴/۴۷۶، ۵۲/۵، ۱۹۲/۸، ۱۰-۹/۱۰، ۲۳۶/۱۱، ۲۵۶/۱۳-۲۵۷، ۹۰/۱۶، ۲۲/۲۰، معجم المؤلفين
۲/۲۴۷، ۱۰/۴۲، معجم المطبوعات: ۱۵۱۵، إيضاح المكنون ۱/۳۳۶، امل الآمل ۲/۳۲-۳۳، رياض العلماء

۱۶۲

۱- نصّ عبارت چنین است: لا يخفى على الناقد البصير ان هذا المجلد من اوله الى آخره غلط فى اللفظ، ومن أجل اغلاطه لا يجوز الاعتماد عليه فى حديث من احاديثه ولا ينبئك مثل خبير. حرره الاحقر عرب‌باغى عفى الله عنه.

۸۱/۱-۸۲، مجله علوم حدیث شماره ۴ (تابستان ۱۳۷۶ شمسی)، اعیان الشیعة ۲۹۷/۳-۲۹۸ (۲۰۱۰/۱۱-۲۰۱۱)
از چاپ قدیم)، تذکرة المتبحرین: ۸۹، (تلخیص) مجمع الأداب ابن فوطی ۳۳/۲، الأنوار الساطعة (طبقات
اعلام الشیعة): ۱۷، مجله تراثنا شماره ۲۹ ص ۴۹ مقاله «فی رحاب نهج البلاغة» سید عبدالعزیز طباطبائی
طاب ثراه، معجم رجال الحدیث ۸۴/۳ شماره ۱۲۳۹، دائرة المعارف تشیع ۱۳۰/۲، لغتنامه دهخدا ماده
«اسعد بن عبدالقاهر»، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۶۹، کتابخانه ابن طاوس: ۲۳، ۲۵۹، ۴۹۳،
ذخائر الأسفار خیابانی (چاپ میراث اسلامی، دفتر ۳ ص ۶۲۱-۶۵۳ و دفتر ۴ ص ۸۱-۱۳۰ تحقیق علی
صدرایی خوئی)، نفس الرحمن نوری باب ۱۲، الدروع الواقیة فصل ۱۹، مستدرک الوسائل ۳/۳۶۷ و ۵۷۳ چاپ
سنگی، هدیه العارفین ۲ / ۷۱، ترك الإطناب فی شرح الشهاب - مقدمه - ، بحار الأنوار، مجلد الإجازات ص
۲۳.